

بسم الله الرحمن الرحيم

اندیشه سیاسی توفیق محمد الشاوی

میثم پورحاتم

وی یکی از اندیشمندان مسلمان مصری در دوران معاصر است. وی به عنوان یکی از مهمترین اندیشمندان احیاء کننده نظریه خلافت در دوران معاصر است که اندیشه سیاسی خود را پیرامون نظریه «شوری الجماعه» ارایه می دهد.

آثار:

توفیق الشاوی آثار متعددی در زمینه حقوق و رشته های حقوقی تألیف و تدوین نموده است که از میان آنها چهار اثر زیر دربرگیرنده افکار و اندیشه سیاسی وی می باشد:

۱. تعلیق و ترجمه کتاب فقه الخلافه نوشته عبد الرزاق السنهوری است. که پایان نامه سنهوری بوده که به زبان فرانسه نوشته شده است.
۲. کتاب فقه الشوری والاستشاره که تلاشی فقهی برای احیاء نظریه خلافت است و به عنوان اندیشه فقهی سیاسی وی به حساب می آید.
۳. کتاب الشوری اعلی مراتب الدیمقراطیه که در واقع بخشی از کتاب فقه الشوری است. محور اصلی این کتاب نسبت نظریه شورا با دموکراسی غربی است.
۴. کتاب فقه الحکومه الاسلامیه (بین السنه و الشیعه قراءه فی فکر الثوره الاسلامیه) که به موضوع حکومت اسلامی اختصاص یافته است. این کتاب با رویکرد مقایسه ای بین اندیشه سیاسی شیعه و اهل سنت در باب حکومت اسلامی به ویژه با تکیه بر نظریه امام خمینی، تلاش می کند فقه حکومت اسلامی را در تداوم فقه الشورا مورد بررسی قرار دهد.

اندیشه سیاسی:

آثار و مجموعه فعالیت ها و تلاش های علمی وی در راستای بازسازی و احیاء نظریه خلافت است. نظریه «شوری الخلافه» الشاوی در یک نگاه دارای دو سطح کلان و خرد می توان بررسی کرد:

سطح خرد ناظر به تحلیل این نظریه در سطح یک کشور اسلامی با مختصات اندیشه سیاسی اهل سنت است.

سطح کلام به تحلیل این نظریه در کل جهان است .

مولفه های محوری این نظریه :

۱. شورا و نظریه سیاسی اسلامی: در منظومه فکری الشابی شورا میتواند بیانگر برتری شورا بر دموکراسی باشد که در کتاب فقه الشورا و الاستشاره، مبانی فقهی شورا تحلیل نموده است . بنا بر نظریه شورا یک نظریه عمومی

است که براساس آن مشروعیت سیاسی نظام تضمین میشود. الشاوی میان شورا و مشورت به این صورت تفکیک قایل میشود که شورا به مفهوم عام را مشاوره، مشاور و مشورت میداند و آنرا الزام آور تلقی نمی کند. اما شورا به مفهوم خاص آنرا شورا الجماعه یا شورای جماعیه می نامند. که این مفهوم را الزام آور معرفی می کند. شورا به معنای خاص اولاً یک نظریه و اصل انسانی است و ثانیاً آن را یک اصل اجتماعی و اخلاقی می داند و در مرحله بعد یک قانون برای نظام حکومت.

۲. مبانی شورا:

الف. شورا در شریعت یا شریعت در شورا: الشاوی ابتدا به تبیین رابطه شورا و شریعت می پردازد و بیان می کند که تلاش برخی نویسندگان در طرح شورا به عنوان نظام سیاسی سازگار با دموکراسی این تلا را منجر به جداسازی شورا از مصادر شریعت و مطابق با نظریه غربی دموکراسی دانسته و در مقابل بیان می کند که شورا اختصاص به شریعت اسلامی دارد و به تفاوت آن با دموکراسی تأکید می کند.

الشاوی برای شورا ۳ ویژگی بیان می کند:

- شورا تابع شریعت و ملزم به آن است؛
- شورا فلسفه یا مکتب سیاسی نیست، بلکه اصل و مبدأ اصیل اجتماعی و شیوه ای برای همبستگی اجتماعی فراگیر است؛
- وسعت و دامنه شورا باید به گونه ای باشد که تمامی امور جامعه و افراد را دربر می گیرد که این امر موجب تنوع احکام شورا بر حسب تعدد موارد تطبیق آن می باشد.

وی برای این ویژگی ها از کتاب، سنت و اجماع دلیل می آورد.

ب. شورا در حکومت یا امت شورا:

توفیق المحمد الشاوی، بخش دیگری از بنیان های نظری شورا و استدلالهای خود را در بخش دوم کتاب فقه الشورا و الاستشاره تحت عنوان «امت شورا» توضیح می دهد. در این بخش، شاوی ابتدا به توضیح آزادی به عنوان بنیان شورا پرداخته، سپس آزادی تنظیم شورا در جامعه را براساس اصول ثابت شریعت بررسی می کند و در نهایت حکومت شورایی مورد نظر خود را ترسیم می نماید از نظر شاوی جوهر شورا آزادی است زیرا در شورا اصل بر آزادی افراد است. به همین دلیل آنان به طور مساوی از حق طرح نظر خود و مناقشه آراء دیگران و حق انتخاب حاکمان برخوردار می باشند.

عناصر حکومت شورایی:

۱. قانون (شریعت): در نظریه شورا عمومی، شریعت عنصر اصلی نظام سیاسی اسلامی تلقی می شود و این یکی از مهمترین امتیازات نظام شورای است.

۲. شورا: پس از شریعت مهمترین عنصر نظام سیاسی اسلامی شورا است. شورا در نظریه وی دارای دو سطح عمومی و تخصصی است

الف. شورا در سطح عمومی: شورا وسیله ای شرعی برای صدور تصمیم از سوی مردم که در قالب رأی عمومی امکان پیر می باشد که دارای عناصر متعددی است:

- مشارکت تمام مردم یا نمایندگان آنان جهت حفظ همبستگی و انسجام؛
 - آزادی رأی تمام افراد؛
 - بحث و گفتگو جهت موازنه میان آراء؛
 - ترجیح بین آراء براساس یک اصل اساسی؛
 - هنگام حصول اجماع و یا اجماع اکثریت، تصمیم از اکثریت صادر می شود.
- ب. شورا در سطح تخصصی: شوراهای تخصصی شوراهایی هستند که در زمینه های مختلف و به تناسب تخصص های لازم به نمایندگی از مردم تشکیل می شود و آ را به دو دسته تقسیم می کنند:
- شورای علما یا اهل ذکر: الشاوی شریعت را محور قرار می دهد و ناگزیر است از مرجعیت، علماء و اهل ذکر برای استنباط احکام شرعی و تنظیم زندگی سیاسی- اجتماعی استفاده کند.
 - شورای اهل حل و عقد: این شورا معادل مجلس نمایندگان است. چون محوریت شریعت است و جایگاهی که شورای اجتهادی (اهل ذکر) دارد؛ شورای اهل حل و عقد فاقد استقلال است.
۳. حاکم: در نظر الشاوی فردی به عنوان حاکم پذیرفته می شود که متأخر از شورا و منتخب از طرف اهل حل و عقد بلکه یکی از آنها است. حاکم حق قانون گری ندارد بلکه فقط مجری است که در برابر مجلس علما و نمایندگان پاسخگو است. حاکم مستقیماً از طرف مردم انتخاب نمی شود بلکه مردم از طریق شورای نمایندگان نقش دارند.

رأی همگانی ← انتخاب اهل حل و عقد ← انتخاب حاکم

شورا و دموکراسی: الشاوی پس از بیان ارکان و عناصر نظام شورایی به بیان مقایسه شورا کراسی و دموکراسی می پردازد.

عناصر مشترک:

- وجود قواعد مشترک که مهمترین آنها حق مردم در تعیین سرنوشت خودشان است؛
- نیاز هر دو نظام به مبادی و مبانی برتر
- وجود قلمروی خاص برای استنباط و اجتهاد در قواعد تفصیلی که در نظامی که هر یک از آنها پیاده می کنند، تنوعاتی را موجب می گردد.

امتیازات نظام شورا بر دموکراسی:

گسترده تر بودن و فراگیر تر بودن قلمرو شورا؛ شورا قبل از اینکه یک نظریه سیاسی باشد یک نظریه اجتماعی است. بر خلاف دموکراسی که هدف اول آن نظام سیاسی است.

ریشه دارتر بودن و اساسی تر بودن شورا در جامعه؛

شورا و ایده تقرب در جهان اسلام:

الشاوی تقرب اندیشه اندیشه های سیاسی را مورد بررسی قرار می دهد و با اشاره به فرازهایی از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و آیت الله منتظری و مواردی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورا را زمینه ساز تقرب اندیشه سیاسی شیعه و اهل سنت معرفی می کند و بیان می گوید: «به دنبال پیروزی انقلاب ایران، کتاب امام خمینی با نام حکومت اسلامی و ولایت فقیه را یافتیم که آن را تکمیل کننده کتاب سمنهوی برای کسانی دیدم که خواهان شکلی کامل از فقه سیاسی سنی و شیعی در موضوع اساسی مورد اختلاف بین دو مذهب، یعنی ولایت حکم هستند»

به عقیده وی کتاب امام خمینی درباره ولایت فقیه، راه را برای فقه شیعی مبنی بر پذیرش شورا و انتخاب آزاد به عنوان اساس ولایت باز کرد؛ زیرا فقه شیعه ولایت را در امامان یا جانشینان آنها از اهل بیت منحصر می کرد.

politicalknowledge.blog.ir/